



میم مثل مادر

زنان میان سال

در غبار وظیفه‌های مادرانه گم شده‌اند

خود پیش می‌روند و وقتی به طور متقابل، توجه و دوست داشتن ناب را دریافت نمی‌کنند، دچار سرخوردگی پنهان می‌شوند. از آنجا که آموخته‌اند باید مطابق انتظارات جامعه ایفای نقش کنند، میان آنچه خانواده از آنان انتظار دارد و آنچه آنان از خانواده انتظار دارند دچار تعارضی ذهنی می‌شوند که چرا به عنوان یک مادر، تمام وقت در اختیار خانواده هستند حال آنکه زمانی که به توجه روانی و عاطفی و حمایت خانواده نیاز دارند، توجهی متناسب با توجهی که عرضه می‌کنند دریافت نمی‌کنند. اینجاست که از خود می‌پرسند تا چه میزان باید به انتظارات اجتماعی از نقش مادری پاسخ دهند در حالی که طبق تجربه روزانه‌شان در زندگی خانوادگی، این طور ارزیابی می‌کنند که به یک خدمتکار تمام وقت تبدیل شده‌اند که علاوه بر کار بیرون، در منزل نیز باید خدمات‌رسانی کنند. این در حالی است که در کنار همه این‌ها سایر اعضای خانواده این خدمات‌رسانی بیست و چهار ساعته را وظیفه بی‌قید و شرط مادران می‌دانند زیرا از نظر فرهنگی آموخته‌اند مادر باید ایثارگر باشد و ایثار به معنای از خودگذشتگی تحت هر شرایطی است. این انتظار غیرمنصفانه و نابرابر فرهنگی در بلندمدت روان آنان را دستخوش آسیب ناشی از حذف هویت فردی مادران در کانون خانواده کرده است.

✚ رفتار متقابل را پیشه خود سازید

از مادران بسیاری شنیده‌ام که در بحران کرونا، زمانی که سایر اعضای خانواده به کرونا مبتلا شده‌اند، چگونه فداکارانه با همه خستگی‌های کار خانگی و کار اجتماعی، به پرستاری با بهترین کیفیت عاطفی و حمایتگری و مراقبت در حد امکانات اقتصادی خانواده، در کنار همسر یا فرزندان بیمار خود بوده‌اند اما زمانی که خودشان به کرونا مبتلا شده‌اند، همسر یا فرزند صرفاً غذای آنان را تهیه کرده‌اند و مادران از دریافت حمایت عاطفی همسران و فرزندان محروم مانده‌اند. در مواردی حتی مادران برای پرستاری شدن به اندازه‌ای از سوی همسر و فرزند خود تنها مانده‌اند که برای دریافت غذای روزانه‌شان در مدت بیماری، ناچار شده‌اند از خانواده پدری و از مادرشان کمک بگیرند. این مثالی بسیار ساده از هزاران نمونه آشکار و پنهان است. نادیده گرفتن‌های مکرر نیازهای روانی مادران میان سال از سوی اعضای خانواده به نتیجه احساس تعلق نداشتن و تنهایی منجر شده است. فقدان رفتار متقابل عملگرایی و تقلیل پاسداشت نقش مادری به شعارهای نمادین و هدیه‌های سالی یکی دو مرتبه در روز تولد و روز مادر، در مادران میان سال ایرانی احساس تنهایی و نارضایتی از زندگی خانوادگی را در پی داشته است. هرچند این نارضایتی را آشکارا بیان نمی‌کنند، در نشست‌های همدلانه در گروه‌های زنانه‌شان همیشه به رنجی که از آن می‌برند اشاره می‌کنند، مادران میان سالی که دلشان می‌خواهد در کنار هدیه مادی روز مادر، هر روزشان روز رفتار متقابل باشد و هر روز توجهی را که به خانواده عرضه می‌دارند از خانواده دریافت کنند؛ به گونه‌ای با آنان رفتار شود که احساس نکنند پرستار یا خدمتکاری تمام وقت هستند که حتماً باید خدماتی بی‌شائبه به خانواده ارائه کنند تا به عنوان مادر پذیرفته شوند. جامعه باید انتظاراتی را که از نقش مادری دارد مطابق با زمانه کنونی اصلاح کند و اعضای خانواده باید رفتاری متقابل را با مادران پیشه کنند تا بتوانند آنان را از غبار اندوه حس عدم تعلق بیرون بکشند: احترام متقابل، همدلی متقابل و عشق متقابل.



مهدیه غفوریان اشهرآرا

دکترای
جامعه‌شناسی

هنگامه

✚ معمول است که از مادران انتظار می‌رود فرزندان خود را درک و احساس تعلق و دوست داشته شدن را بدون قید و شرط به آنان اهدا کنند تا عزت نفس و اعتماد به نفس فرزند به درستی شکل بگیرد و شخصیت سالم پرورش یابد زیرا نسل سالم با توجه مناسب مادران پرورش می‌یابد و جامعه سالم را شکل می‌بخشد اما در این میانه انتظارات از مادران، آنچه شایسته است تا خانواده به مادر اهدا کند مغفول مانده است. حال آنکه روان‌های مستأصل شده مادران و احساس جدافتادگی و تنهایی از محیط خانواده که در روایت شرح حال زندگی خانوادگی‌شان گزارش می‌کنند، مؤید آن است که خانواده ارتباط مؤثری با مادران برقرار نکرده و نیاز مادران به احساس تعلق از سوی خانواده‌شان پاسخ داده نشده است.

✚ علت درد تنهایی را ریشه‌کاوی کنید

با مادران بسیاری روبه‌رو شده‌ام که احساس می‌کرده‌اند در زندگی خانوادگی‌شان حل شده‌اند. اگرچه به ظاهر یا در روز مادر با هدیه‌ای گرمی داشته می‌شوند، احساس مورد توجه قرار گرفتن واقعی و صادقانه را از عزیزانشان دریافت نمی‌کردند. جدامانگی از خانواده در عین قرار داشتن در مرکز آن، رخدادی است که بیشتر مادرانی که اکنون در دوره میان سالی یعنی سنین بین ۴۵ تا ۶۵ سال هستند تجربه می‌کنند. گذشته از اینکه هم‌زمان شاغل و خانه‌دار باشند یا تنها خانه‌دار، با چالش رفتار غیرمتقابل در زندگی خانوادگی دست‌به‌گریبان‌اند، چالشی که آنان را از نظر روانی دچار استیصال احساس تنهایی کرده و پیامدهایی چون افسردگی پنهان برای آنان در پی داشته است. این حس تنهایی که غالباً آن را در ذهن خود پنهان می‌کنند از کجا آمده است؟ جامعه برای مادران وظایفی نقشی تعریف می‌کند که وظایف مادرانه شناخته می‌شوند. عموماً این انتظارات عرفی هستند و در جایی قانونی یا مکتوب ثبت نشده‌اند. آنان در برآوردن نیازهای سایر اعضای خانواده از خانواده پدری گرفته تا خانواده همسر، همسر و فرزندان غرق می‌شوند و نیازهای آنان در میان نیازهای سایر اعضای خانواده گم یا در بهترین حالت کم‌رنگ می‌شود و چندان که بایسته و شایسته است مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

✚ انتظارات اجتماعی از نقش مادری را متعادل کنید

زنان در خانواده پدری و از مادران خود می‌آموزند که چگونه و به چه میزان از انتظاراتی که خانواده به عنوان مادر از آنان دارد پاسخ بدهند. غالباً به جای برقراری تعادل و درخواست رفتار متقابل از سوی فرزند و همسر، به سوی تأمین حداکثری انتظارات اجتماعی از نقش مادرانه